

راز و رمزهای  
خواندن و نواختن  
موسیقی ایرانی



مهدی آثاری

سرشناسه: آثاری، مهدی  
**عنوان و نام پدیدآور:** راز و رمزهای خواندن و نواختن موسیقی ایرانی - مهدی آثاری  
**مشخصات نشر:** تهران - پلک، ۱۴۰۲  
**مشخصات ظاهری:** ۷۴۷ ص. مصور، عکس، نقشه، ۱۷\*۲۴ س.م.  
**وضعیت فهرست‌نویسی:** فیبا  
**یادداشت:** ص.ع به انگلیسی:  
**Trick of vocal & play the Iranian music, the situation of music and poet in the Iranian life**  
**Mehdi Asari**  
**یادداشت:** کتابنامه  
**موضوع:** موسیقی ایرانی  
**موضوع:** موسیقی‌دانان ایرانی - شناخت موسیقی ایران  
**رده‌بندی کنگره:** ۱۳۸۷ ۱۲٫۲/ML۳۴۴  
**رده‌بندی دیویی:** ۷۸۹  
**شماره کتابشناسی ملی:** ۱۲۴۲۵۷۴  
**شابک:** ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۶۲-۸۲-۵



**نام کتاب:** راز و رمزهای خواندن و نواختن موسیقی ایرانی  
**مؤلف:** مهدی آثاری  
**ناشر:** پلک  
**نوبت و سال چاپ:** چاپ سوم ۱۴۰۲  
**شمارگان:** ۱۰۰۰  
**قیمت:**  
**شابک:** ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۶۲-۸۲-۵  
 طرح جلد و ساخت مجسمه‌ها، نقاشی‌ها و طرح‌های گرافیکی سنتی: مهدی آثاری  
**For the lecture and performance you may contact**  
 هرگونه اقتباس و استفاده از تصاویر، طرح‌های گرافیکی، نقاشی، مجسمه یا مقالات این کتاب منوط به موافقت کتبی ناشر و نویسنده است.

مرکز نشر و پخش: تهران  
 تلفن: ۰۹۲۱۲۵۴۶۵۳۷-۰۹۳۰۶۱۸۰۷۳۹-۰۹۱۲۲۷۲۸۴۰۶  
 وبسایت: [www.pelkbook.com](http://www.pelkbook.com)



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول: هدف از نگارش این کتاب.....
۱۷.....	فصل دوم: نظری گذرا به موسیقی ایران.....
۳۳.....	فصل سوم: موسیقی و شگفتی‌های آن.....
۸۱.....	فصل چهارم: آیا موسیقی ایرانی حدیث ملال‌آور تکرار، ایستا با الحان افسرده است؟.....
۱۰۱.....	فصل پنجم: سیر تکاملی نوازندگی، بدیهه‌نوازی، نام‌گوشه‌ها.....
۲۱۳.....	فصل ششم: موسیقی صوتی، مکتب‌های آوازی، مرکب خوانی، گوشه‌های ردیف آواز.....
۲۸۹.....	فصل هفتم: پیشینه القاب و عناوین ایرانی، هنرمندان کدامند و استادان کدام.....
۳۴۹.....	فصل هشتم: میراث‌های اخلاقی ما ایرانیان و اثرات آن روی موسیقی.....
۴۲۷.....	فصل نهم: راز و رمزهای موسیقی سازی و آوازی و تفاوت بین آنها.....
۴۷۳.....	فصل دهم: ویژگی نام نغمه‌های ایرانی و تأثیر آن در کشورهای همجوار.....
۵۱۱.....	اصطلاحات متداول در موسیقی.....
۵۱۹.....	فصل یازدهم: تداخل فرهنگ‌ها و سازها.....
۵۶۳.....	فصل دوازدهم: خطّ بین المللی موسیقی (نت) بمنظور درک بهتر مطالب این کتاب.....
۵۸۷.....	فصل سیزدهم: نقش ادبیات و اوزان عروضی روی موسیقی ایرانی.....
۶۷۷.....	فصل چهاردهم: انواع وزن‌های موسیقایی ایرانی و تفاوت آن با غرب.....
۷۰۹.....	فصل پانزدهم: شناخت اصوات موسیقی - ربع پرده‌ها - تفاوت‌های اساسی بین موسیقی ایرانی با غرب.....
۷۴۵.....	فصل شانزدهم: چگونگی به وجود آمدن دستگاه‌ها یا مقامات ایرانی.....
۷۶۱	منابع و مآخذ فارسی و لاتین

## پیشگفتار:

شناخت ارزشهای فرهنگی، پدیده‌های پیرامون زندگی در جوامع متعهد امری است اجتناب‌ناپذیر زیرا تجربه آموزی و پندگرفتن از گذشته به ما امکان خواهد داد تا با تقویت ذهنی جامعه، حلقه‌های نیمه گسسته و صدمه دیده هنر، تاریخ و فرهنگ خود را که به کزات مورد اصابت ده‌ها مسلک و مرام مذهبی، تهاجم اقوام بدوی قرار گرفته و بیشترین سالهای حیات تاریخی خود را در جدال با هرج و مرج و آشوب و تعصب گذرانده است ترمیم بخشیم، نواقص و نارسایی موسیقی کنونی را که نتیجه تغییر دائمی نظامهای حکومتی، افکار خرافی، رقابت‌های عشیره‌ای که با تکیه بر شمشیر بر ملت ما تحمیل شده سامان دهیم به این امید که با جبران غفلت‌های گذشته قدمی و حرکتی در تکوین موسیقی به عمل آورده و با ارج نهادن به آن، شور و شوق و عشق به زندگی ایرانیان باستان را به سرزمین خود بازگردانیم، مکان والای فرهنگ و صفات خوب انسانی خود را بازیابیم و کشور فرهنگ‌ساز خود را که در طول تاریخ دچار رخوت و سستی شده دوباره احیاء کنیم تا موسیقی را دوش به دوش ادبیات سرافرازمان جهانی. زیرا تاریخ هنر ایران رنج‌نامه‌ای بیش نیست که فراموش نمی‌کند چه رفتار تحقیرآمیز و ناسپاسی که در حق دلسوختگان هنر اعمال نشده یعنی از آن زمان که تمدن والای باستانی ایران، مغلوب تهاجمات بی‌امان بیگانگان قرار گرفت و شیرازۀ هستی این سرزمین درهم پیچید، تازیانه تکفیر هرگونه شور و شوق زندگی را زیر ضربه‌های خوردکننده خود گرفته نگذاشت تا هیچ‌کدام از پدیده‌های هنری تداوم یابد تا جایی که گاه به قطع کامل این وابستگی می‌انجامد و این وضع ادامه داشت تا یک رنساس بعدی - در این ادوار طولانی آشفتمگی چه بسیار از موسیقی‌دان‌ها و هنرمندان تحقیر، کار و حرفه آنان حرام و مورد شماتت کوتاه نظران قرار گرفته و چه اتهامات و قربانیانی که در این راه داده نشد و چه سازها و کتب موسیقی که با دیگر آثار پر ارزش نابود نگردید تا بدان جا که حتی در ادواری طولانی ضرب گرفتن در زورخانه‌های شهرهای زیر نفوذ متعصبین، خلاف شرع به حساب می‌آمد\*، صدای

\* مرشدهای زورخانه اصفهان ناگزیر با تمبکی که به جای پوست، حلبی روی آن می‌کشیدند ضرب می‌گرفتند.

نی لبک و حتی سوت را صدای شیطان می‌نامیدند و یا ترس از تکفیر و تحقیر «نی» را در داخل عصا جاسازی می‌کردند و مزیتی بود برای «سه تار عبائی» با حجم کمتر و امکان استتار در زیر عبا و قبا که آن را «سه تار عبائی» می‌نامیدند تا به هنگام تردد مورد لعن و نفرین و مذمت قرار نگیرند که متأسفانه تمام این خرافات مغایر با دین مبین اسلام، جعلی و ساختگی‌اند.

این اختناق نه تنها در زمینه موسیقی و این شریان ملی که حتی در زمینه ادبیات هم اعمال می‌شد تا آنجا که امکان عرضه اشعار خیام گونه وجود نداشت بطوریکه تا یک قرن بعد از مرگ خیام انتشار اشعار او میسر نشد و چه بسیار از شرای متعاقب که چون با مضامین مشابه او شعر می‌سرودند بخاطر حفظ جان خویش خود را «خیام» تخلص کردند.\*

خیام که گفت که دوزخی خواهد بود      که رفت به دوزخ و کی خواهد گفت

\*\*\*

گویند کسان بهشت با حور خوش است      من می‌گویم که آب انگور خوش است  
این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار      (کاوان) که آواز دهل شنیدن از دور خوش است

تا همین یک قرن قبل دختر خانمها از خواندن کتابهایی چون شیرین و فرهاد، رابعه و بکتاش، لیلی و

\* (بنا به تحقیق آقای سعید نفیسی تعداد رباعیات خیام در اصل بیش از دویست و پنجاه نبوده و بقیه به توسط افراد مختلف تا پنج هزار رباعی افزایش یافته است)

می‌نوش دمی بهتر از این نتوان یافت  
اندر سر خاک یک به یک خواهد تاخت

\*\*\*

چون عاقبت کار همین خواهد بود  
بنشین و دمی به شادمانی گذران  
نوبت به تو خود نیامدی از دگران

\*\*\*

زان پیش که کوزه‌ها کنند از گل ما

مهتاب به نور دامن شب بشکافت  
خوش باش و میندیش که مهتاب شبی

گرما می و معشوق گزیدیم چه باک  
برخیز و مخور غم جهان گذران  
در طبع جهان اگر وفائی بودی

یک کوزه می بسیار تا نوش کنیم

مجنون، یوسف و زلیخا، وامق و عذرا، بیژن و منیژه منع می شدند چون معتقد بودند دخترها عاشق پیشه بار می آیند.

با این مقدمه سابقه فعالیت موسیقایی ملی ایران برخلاف تاریخ کهن این کشور و در زیر بار افکار خرافی، حکومت‌های ناپایدار، تعصبات مذهبی و مشکلات اجتماعی بسیار کوتاه و با بیش از یک هزار سال سکوت نه تنها نتوانسته است دوشادوش ادبیات جهانی گردد که حتی جایگاه واقعی خود را در سرزمین خود هم پیدا نکرده بطوری که هنوز بسیاری از هموطنان پس از سال‌ها زندگی و تجربه آموزی در شهرهای بزرگ‌کمترین آشنایی با این هنر آسمانی و ظریف ندارند و حتی نام سازهای سنتی را که در واقع بخشی از شناسنامه ملی آنهاست نمی‌دانند لذا آن همه شور و شوق به زندگی و هنر که می‌توانست در طی قرون و اعصار بی شمار شادی و شغف را به جامعه متمدن ما ارزانی دارد به جز عدد قلیلی فرصت دستیابی به این بوستان رنگین و معطر را نیافته‌اند.

عشق تو شرابی است که سوزد دل و جان را  
جز عاشق شوریده ننوشید، کس آن را  
زین باده کسی تا نشود مست نداند  
احوال دل عاشق آشفته روان را

بنابراین شرایط و آن همه محرومیت طبیعی است که بیشترین نیرو و حیات مادی و معنوی برای مبارزه با جباران تاریخ و زورگویان و ضرورت‌های رزمی متمرکز شود تا هنرها، از این‌رو موسیقی در دوران پرتلاطم خود به کرات تا مقطعی پیش آمده و مجدداً دچار رکود و تأخیر فرهنگی گردید و نتوانست به موازات ادبیات و بعضی دیگر هنرها، پایگاه واقعی خود را تحکیم بخشیده و خواست جامعه را تأمین نماید.

با توجه به این ضرورت فرهنگی وظیفه‌ای است ملی تا ذخیره‌های معنوی جامعه خود را که بیشتر از هر زمان دیگر مشتاق دستیابی دوباره به هستی و جوهر وجودی خود هست متجلی و با شناخت بهتر موسیقی سرزمین خود بخشی از حلقه‌های ناگستنی این فرهنگ را قوام بخشیم زیرا یکی از قدرتهایی که می‌تواند با هجوم فرهنگ‌های بیگانه و مظاهر

آن چنانی غلط غرب مبارزه کند همین هنر، ادبیات و موسیقی پربار است. از این‌رو حتی در مقام یک شنونده و مصرف‌کننده خوب و وظیفه‌شناس کافی نیست که بگوییم ما موسیقی را دوست داریم، بلکه باید دست‌کم از راه مطالعه ضوابط و قواعد، بهره‌گیری سهل و شنیدن آن تمام حواس، علاقه و ذکاوت خود را در راه تقویت شناخت بهتر آن به کار گیریم و بدین ترتیب احساس و ذوق خود را پرورش داده، تا کم‌کم موسیقی اصیل و ریشه‌دار را بشناسیم و از این طریق نسبت به هنری که عمری دمساز آن بوده و به وجودش افتخار می‌کنیم، مستمعی آگاه باشیم و تنها بدین وسیله است که هر قطعه موسیقی ناپخته و سطحی، ما را قانع نخواهد کرد. زیرا بدون تردید آینده موسیقی هر ملتی در دست مستمعین آن است که چگونه با تشخیص صحیح با جسم و جان خود به آن نزدیک شوند، آن را حمایت و تقویت کنند و هنرمندان و صاحبان واقعی استعداد و ذوق را به مسیری صحیح سوق دهند تا با دلگرمی بیشتر و با تمام وجود به خلق آثار ارزشمند و اصیل پردازند زیرا در جوامعی که خلاف این عمل شده است، جهت‌های معکوس و منحرف و الگوهای نادرست، برگزیده ذهنی اجتماع قرار گرفته و متأسفانه این الگوها پا به پای تازیانه حوادث، همراه با عوامل بازدارنده عقیدتی مجالی برای شناخت موسیقی و پیشبرد آن باقی نگذارده‌اند به طوری که دامنه این بی‌خبری، موجب ترویج بسیاری از اشتباهات و باورهای غلط شده است تا جایی که:

- ۱ - بسیاری از هم‌وطنان و حتی بعضی از هنرمندان به غلط قانع شده‌اند که موسیقی ایرانی، بدون تحرک، غمزده، حدیث ملال آور تکرار، عقب‌مانده و... است.
- ۲ - به غلط تصور می‌شود که وجود ربع پرده‌ها در موسیقی ایرانی یکی از عوامل این عقب‌ماندگی بوده است
- ۳ - آیا بعد از نفوذ موسیقی غرب وزن‌ها (ریتم در موسیقی ایرانی) اصالت خود را حفظ کرده‌اند؟
- ۴ - آیا خط موسیقی «نت» و علم مربوط به آن جوابگوی حالات نامرئی موسیقی ایرانی می‌باشد و آیا گامهای امروزی با موسیقی ایرانی سازگاری دارند و اگر ندارند پس چیز زایدی است.

بی‌محتوی و غلط منحرف کرده و مضحک‌تر اینکه مورد عنایت جامعه ساده‌پذیر قرار گرفته و در موقعیت «هنرمندان» هم قرار گرفته‌اند.

۱۲- و بالاخره وظیفه‌ای است ملی تا فرهنگ و هنر از هم گسیخته و جامعه یورش دیده و هویت تاراج شده خود را که همچو دانه‌های یک بند مروارید پاره، پراکنده و یا مفقود شده‌اند، در فرصت‌های به دست آمده دوباره جمع‌آوری کنیم، این میراث‌ها را برای سرزمین خود حفظ و در حدّ توان خشتی بر این بارگاه ملکوتی بیفزاییم تا با ضبط مجدد آن، بخشی از غفلت‌های گذشته جبران شود؛ چرا که هیچ ملّتی به قدر جامعه ما در سرزمین خود غریب و از آن بی‌خبر نیست جامعه‌ای که کزراً مورد اصابت انواع ادیان و مذاهب و باورهای مختلف مانند میترائیسم، زردشتی، مزدکی، مانوی، عیسوی، نصرانی، یهودی، بودایی، شیعی، حنفی، شافعی، شیخی، مالکی، حنبلی، وهابی، بهائی، ارمنی، آسوری، معتزله، قدریه، شیخیه، اسمعیلیه، قرامطه (قرمطی)، زیدیه، نعمت‌اللّهی و نوربخشیه، نقش بندیه، پیرجمالیه، خلوتیان، حروفیه، مولویه، نقطوی، قدریه، علی‌اللّهی جمعیت‌های سرّی اخوان الصفا، اخوان المسلمین، فراماسونری بوده و یا از ابتدای موجودیت خود مورد تهاجم و چپاول اصابت زبان و فرهنگ اقوام بدوی چون سکاها، خیون‌ها، هفتال‌ها، سگزیان، سرمت‌ها، سغدیان، بلخیان، کوشانیان، عرب‌ها، سلجوقیان، خوارزمیان، قراغزان، قراخانیان، قراختانیان، قفقاقان، مغولها، افغانها، تاتارها، و دیگر زرد پوستان وحشی آسیای مرکزی، ترکمانان، قره‌قویونلوها، آق‌قویونلوها قرار گرفته که هر کدام به نوعی اثراتی ولو ناچیز از خود بر جدایی اندیشه بین اقوام به جای گذاشته یا اگر گروهی به عنوان ملّتی غالب حاکم بر سرنوشت ایران شدند اکثراً اقوامی کوچ‌نشین و گله‌دار آن هم در مرحله اقتصاد شبنانی ناشر مفاسد و معایب اجتماعی گوناگون بوده‌اند به طوری که فرهنگ ما به دفعات، دچار گسستگی و شکستگی شده، اخلاق اجتماعی به پستی گراییده شهرنشینی، تمدن و هنر و آنچه از فلاح و تجارت و صنعت مانده بود فروریخته و چه بسا شهرهای آباد آن



روز ایران بزرگ یا یکسره ویران یا از رونق افتاده، روند حرکت تکاملی اجتماعی و فرهنگی تضعیف و رشد اجتماعی ایرانیان به دلیل همین نابسامانی‌ها کند گردیده به طوری که با سقوط هر دودمانی، اسیرگیری و کشتار شور و شوق و رونق از زندگی ایرانیان رخت بر بسته است تا آنجا که در این دوران پر حادثه ایرانیان به اندازه تمام طول تاریخ دنیا مورد آزار و تجاوز به نوامیس، شکنجه، مثله، غارت و چپاول قرار گرفته‌اند و متعاقب آن وقتی نوبت به کشورگشایی سازمان یافته و یا دسیسه‌های دیپلماسی می‌رسد، دولتهای روم، عثمانی، پرتغال، روس و انگلیس، فرانسه، آلمان و آمریکا با طمع به خاک ایران با نیرنگ و یا زور سعی بر تحمیل فرهنگهای خود و تاراج غنائم ملی ما نموده و در پرتو منابع ملی ما اقتصاد و صنعت خود را رونق بخشیدند، متروهایی از نوع متروهای با عظمت لندن را ساخته و موزه‌های لوور پاریس، بریتانیای لندن و دهها موزه دیگر را با آثار هنری سرقت شده سرزمین ما زینت بخشیدند. از این رو تمدن، هنر و رفاه اجتماعی ایرانیان هیچگاه مانند اهالی شهرهایی چون ونیز، فلورانس، لیسن، پاریس، لندن، هامبورگ، نورنبرگ و برن تداوم نیافت تا مردم مجالی برای مشکل کند فهمی‌ها و حتی نفهمی‌های ناشی از عدم روند صحیح یک فرهنگ با معیارهای درست را پیدا کنند و از آنجا که تنها زبان و بخشی از فرهنگ‌های مشترک است که تقریباً همگی احساسات مشترکی را بروز می‌دهند شاید این گونه بررسی‌های هنری اقدامی در جهت خودیابی مجدد باشد تا با عبرت آموزی از گذشته فرهنگ از هم گسسته خود را قوام بخشیده و با شناخت و تقویت پیوندهای مشترک زندگی قابل فهمی با یکدیگر پیدا کنیم و با تفرقه‌زدایی مانع سوء استفاده بیشتر جهان‌خوران گرسنه شده معادله‌ی ذهنی آنها را با اطلاق تحقیرآمیز جهان‌سومی‌ها به هم ریخته مقدمات یک زندگی سعادت‌آمیز را پایه‌ریزی نماییم.

\*\*\*

در یک چنین جامعه غارت شده و فرهنگ باخته که ذهن مشوش او فرصتی برای خودیابی نیافته است بعید نخواهد بود تا برداشت آن نویسنده و شاعر روشن‌گرا و یکی از چند پژوهشگر برجسته

راز و رمزهای  
خواندن و نواختن  
موسیقی ایرانی



مهدي آثاری

**Trick Of Vocal & Play  
The Iranian Music**

**The Situation Of Music & Poet**

**In The Iranian Life**

*mehdi assari*



9 789642 862825

مرکز نشر و پخش: تهران، خیابان وصال شیرازی، شماره ۱۷

طبقه ۴، واحد ۵ تلفن: ۶۶۴۸۱۰۶۵ فکس: ۶۶۴۸۱۰۶۶

**Pelkbook.ir**